

مبانی فکری تدوین سیاست های کلی برنامه ششم در امور زیربنایی و تولیدی

علی مبینی دهکردی
مرتضی اسفندیاری

چکیده

نگاه نوآورانه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود و رصد فرصت‌ها و تهدیدهای جهانی، لازمه هرگونه طراحی راهبردها و سیاست‌های کلان در رسیدن به اهداف و آرمان‌ها است. در این راستا لازم است که سیاست‌های کلی برنامه ششم با نگاهی به شرایط کنونی جامعه (در سطح ملی و فراملی)، ویژگی‌ها، نیازها، آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی جامعه تدوین شود. بر این اساس تدوین سیاست‌های پیشنهادی برنامه ششم در حوزه امور زیربنایی و تولیدی (شامل اهداف، جهت‌گیری‌ها، راهبردها و اولویت‌های کلان) طی یک روش تحقیق توصیفی تحلیلی مبتنی بر تفکر استراتژیک با رویکرد سیستمی، آینده‌نگر، اقتضایی و تعاملی انجام گردیده است. در این جهت اسناد بالادستی و فرمایشات مقام معظم رهبری تحلیل و الزامات و جهت‌گیری‌های راهبردی با در نظر گرفتن پارادایم‌ها و روندهای مربوطه در فضای منطقه‌ای و ملی تعیین و در همین چارچوب، با استفاده از اسناد بالادستی و استفاده از نظرات خبرگان، حوزه‌های راهبردی در اغلب بخش‌های زیربنایی و تولیدی تبیین شده است. همچنین با استفاده از مستندات، نظرات و گزارش بخش و زیربخش‌های مختلف، دریافت نظرات تشکل‌های مردم‌نهاد و خبرگان و مستندات کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی، وضعیت موجود و آینده مطلوب بخش مشخص و ضمن تبیین و تحلیل، چالش‌ها و فرصت‌های فراروی بخش‌ها، برای دستیابی به آینده مطلوب، راهبردها، اولویت‌ها و در نهایت سیاست‌های نظام در بازه زمانی پنج‌ساله استخراج و مشخص گردیده است. این مقاله تبیینی از تلاش‌های صورت گرفته در تدوین سیاست‌های کلی در حوزه امور زیربنایی است.

واژگان کلیدی

برنامه توسعه، آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی، سیاست‌گذاری، رویکرد جهادی، ارزیابی، نظارت

مقدمه

چارچوب مرجعی که رویکرد، محورها و ابعاد اساسی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و شکل‌دهی به اقدامات اجرایی در سطح خرد و کلان کشور طی دوره برنامه پنج ساله ششم را یکپارچه نماید باید با نگاه نوآورانه و با بهره‌گیری از ظرفیت و پتانسیل‌های موجود و رصد کردن فرصت‌ها و تهدیدهای جهانی طراحی شود. برای دست یافتن به چنین نیاز راهبردی در کشور که موجب بقاء و توسعه عزتمند نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می‌گردد؛ ضروری بود تا در قدم اول؛ سیاست‌های کلی برنامه ششم با نگاهی به شرایط کنونی جامعه (در سطح ملی و فراملی)، ویژگی‌ها، نیازها، آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی جامعه تدوین شود. چنین نگاهی در تدوین سیاست‌های کلی برنامه ششم در حوزه امور زیربنایی و تولیدی حاکم بوده است. به عبارت دیگر تدوین سیاست‌های پیشنهادی برنامه ششم در حوزه امور زیربنایی و تولیدی شامل اهداف، جهت‌گیری‌ها، راهبردها و اولویت‌های کلان) طی یک روش تحقیق توصیفی تحلیلی مبتنی بر تفکر استراتژیک با رویکرد سیستمی، آینده‌نگر، اقتضایی و تعاملی انجام گردیده است. در این جهت اسناد بالادستی و فرمایشات مقام معظم رهبری تحلیل و الزامات و جهت‌گیری‌های راهبردی با در نظر گرفتن پارادایم‌ها و روندهای مربوطه در فضای منطقه‌ای و ملی تعیین و در همین چارچوب، با استفاده از اسناد بالادستی و استفاده از نظرات خبرگان، حوزه‌های راهبردی در اغلب بخش‌های زیربنایی و تولیدی تبیین شد. همچنین با استفاده از مستندات، نظرات و گزارش بخش و زیربخش‌های مختلف، دریافت نظرات تشکل‌های مردم‌نهاد و خیرگان و مستندات کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی، وضعیت موجود و آینده مطلوب بخش مشخص و ضمن تبیین و تحلیل، چالش‌ها و فرصت‌های فراروی بخش‌ها، برای دستیابی به آینده مطلوب، راهبردها، اولویت‌ها و در نهایت سیاست‌های نظام در بازه زمانی پنج‌ساله استخراج و مشخص گردید.

بطور اجمالی باید گفت پیشنهاد سیاست‌های کلی برنامه ششم در امور تولیدی و زیربنایی کشور با توجه به رویکردهای زیر صورت گرفته است:

الف - توجه به ایده خردمندانه ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری در حوزه برنامه ششم،

ب - سیر اجمالی پنج برنامه توسعه قبلی،

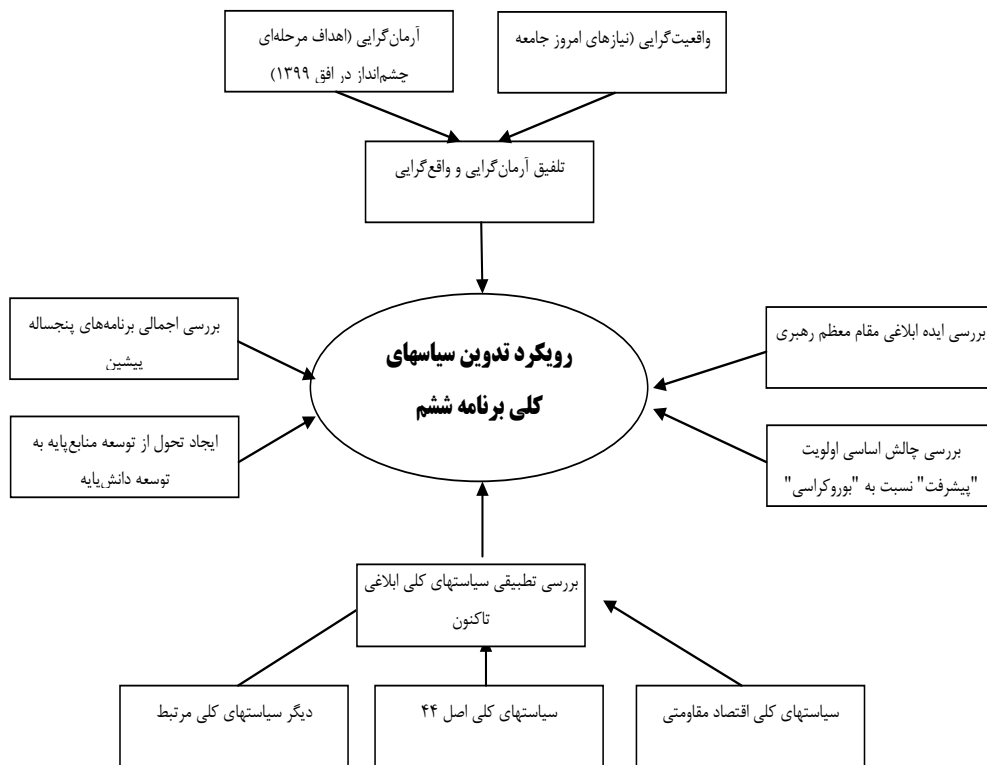
ج- رویکرد توأمان آرمان‌گرایی (اهداف، چشم‌انداز) و واقع‌گرایی (نیازها و چالش‌های پیش‌رو) (توجه به جایگاه ترسیم‌شده برای کشور در سند چشم‌انداز بیست‌ساله از یکسو و تحلیل وضع موجود و ارزیابی نیازها و چالش‌های پیش‌روی کشور از سوی دیگر)،

د - ملحوظ نظر داشتن اولویت «پیشرفت» نسبت به «بوروکراسی» به‌عنوان چالش اساسی توسعه کشور در شرایط کنونی،

هـ - بهره‌مندی از مفاهیم و ابعاد سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و اجرای کامل سیاست‌های کلان نظام،

و- توجه به تحول از «توسعه منابع پایه» به الگوی «توسعه دانش پایه»،

که این مقاله سعی می‌کند به اجمال به برخی از رویکردهای فوق پرداخته و آنها را تشریح نماید.



الف - توجه به ایده خردمندانانه ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری در حوزه برنامه ششم

مقام معظم رهبری در حکم دوره جدید اعضای مجمع در سال ۹۱ (ابلاغیه ۵۹۵۶-۱/س مورخ ۱۳۹۱/۱/۱۷) و در ضمیمه آن فرایند تهیه و تنظیم و تعیین سیاست‌های کلی نظام را اصلاح و به مجمع ابلاغ نمودند که در آن به ابلاغ ایده اولیه هر سیاست قبل از تهیه، تدوین و تصویب سیاست‌های کلی توسط تیم‌های کارشناسی دبیرخانه و مجمع و... اشاره شده است. با این وجود اگرچه تهیه و تدوین سیاست‌های کلی برنامه ششم طبق روال برنامه‌های پیشین از وظایف دبیرخانه مجمع بود و حتی از سوی دبیر محترم مجمع طی حکم ۵۰۸۲-۹۷۰۰ مورخ ۹۳/۳/۱۸، کمیسیون‌های تخصصی و اصلی مسئولیت تهیه محورها و سیاست‌های پیشنهادی برنامه ششم را عهده‌دار شدند و در کمیسیون زیربنایی نیز این امر به کمیته‌ها ارجاع شد و حتی اولین پیشنهادهای خود را طی نامه ۱۴۰۹۹-۹۴۵۳ مورخ ۹۳/۴/۲۲ به کمیسیون مشترک اعلام نمود؛ اما به موازات آن کمیسیون زیربنایی و تولیدی در رعایت حکم مقام معظم رهبری، پیشنهاد ابلاغ ایده اولیه از سوی معظم‌له را طی نامه ۱۴۰۶۳-۹۴۵۳ مورخ ۹۳/۳/۲۷ از دبیر محترم مجمع خواستار شد.

نهایتاً دفتر معظم له، ایده اولیه سیاست های کلی برنامه ششم را در قالب ۱۴ بند در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۶ به دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ نمودند که کمیسیون در تدوین سیاست های پیشنهادی ایده ابلاغی علی‌الخصوص قسمت مقدماتی و بندهای ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۱۱، ۱۲ و ۱۴ آن را به شرح ذیل مد نظر قرار داد:

”به منظور تحقق اهداف چشم‌انداز و با محوریت ”اقتصاد مقاومتی“، ”پیشسازی در عرصه علم و فناوری“، ”تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی“، سیاست های کلی برنامه ششم توسعه باید ادامه موفقیت‌ها و رفع موانع توفیق برنامه‌های پیشین“، ”ناظر به فرصت‌های وسیع و نیز مشکلات، تهدیدها و مخاطرات“، ”برآمده از زیرساخت‌های نظری پیشرفت (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، اصل ۴۴، اصلاح الگوی مصرف، نظام اداری، جمعیت و سایر سیاست‌های ابلاغی)“، ”در جهت استحکام بنیان‌های سیاسی - اجتماعی و توانمندسازی در برابر آسیب‌های آن“، ”متکی بر توانایی‌ها، استعدادها، فرصت‌های وسیع ایجادشده در کشور و تجارب حاصل از برنامه‌های توسعه“، ”واقعی“، ”شفاف“، ”با قابلیت نظارت مستمر و موثر“ و ”ناظر به دوره زمانی پنج‌ساله“ باشد؛ بگونه‌ای که با اجرای آن موارد ذیل محقق شود:

۱- توسعه همه‌جانبه با رشد اقتصادی شتابان، فراگیر، پایدار، دانش‌بنیان، بهره‌ور، عدالت‌بنیان، درون‌زا، برون‌گرا، مردمی، به دور از فساد، با ثبات و تورم حداقلی در محیط کلان اقتصادی.

۲- محوریت تولید ملی در سیاست‌های اقتصادی (تجاری، پولی، مالی و اعتباری) و حمایت از تولید ثروت از دانش و مشارکت احاد جامعه در سرمایه‌گذاری و فعالیت های اقتصادی و تکمیل زنجیره ارزش در تولیدات کالا و خدمات و اصلاح نظام توزیع و واکنش سریع و هوشمند به تهدیدات خارجی اقتصاد ملی.

۴- توسعه نظام جامع تأمین مالی (بازار پول و سرمایه) در جهت پاسخ به نیازهای سرمایه‌گذاری، تولید کالا و خدمات، کسب و کارهای خرد، متوسط و بزرگ و فعالیت‌های دانش‌بنیان.

۵- اجرای چندین طرح ملی و زیرساختی عظیم و تحول‌ساز.

۶- آمایش سرزمین جهت توسعه متوازن مناطق کشور در محیط آسیای جنوب غربی با تعیین حوزه‌های همکاری، مشارکت و تعامل، با هدف بزرگ کردن بازار تولید، تجارت و صادرات غیرنفتی جمهوری اسلامی ایران.

۱- ایجاد، تکمیل و توسعه شبکه ملی اطلاعات امن و توسعه خدمات و محتوای فضای مجازی کشور بر اساس فرهنگ اسلامی ایرانی.

۱۲- مشارکت همه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران در نظم‌دهی نوین منطقه آسیای جنوب غربی با فراهم‌آوری لوازم اقتصادی، دفاعی و امنیتی.

۱۴- تنظیم قلمروهای اسکان جمعیت (سکونتگاه‌ها و فعالیت‌های شهری و روستایی) و ساماندهی کلان‌شهرها بویژه حاشیه‌نشینی بر اساس آمایش سرزمین“

به‌عنوان مثال در هر حوزه‌ای پیشنهاد طرح عظیم و تحول‌ساز (بند ۵ ایده) را مورد توجه قرار داد و یا با مرور سیاست های گذشته بویژه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سیاست های کلی اصل ۴۴ و الگوی مصرف و سیاست‌های بخشی امور زیربنایی و تولیدی (شامل: آب، کشاورزی، منابع طبیعی، صنعت، معدن، مسکن، شهرسازی، آمایش سرزمین، جمعیت، محیط زیست، انرژی و پیشگیری از حوادث غیرمترقبه) و یا توجه به موفقیت‌ها و موانع تحقق برنامه‌های پیشین و یا واقعی و نظارت‌پذیر بودن سیاست ها که مورد تأکید ایشان در پاراگراف اولیه ایده ابلاغی بود، به این ایده به‌عنوان یک سند

بالادستی توجه ویژه‌ای داشت؛ که در ادامه مقاله برخی از آنها بیشتر تجزیه و تحلیل خواهد شد.

ب - سیر اجمالی پنج برنامه توسعه قبلی

نگاهی به سیر تاریخی تحولات و محتوای برنامه‌های پیشین، درس‌ها، عبرت‌ها و تجارب ارزنده‌های را در اختیار مجریان سیاست‌های کلی فعلی - از جمله نمایندگان محترم مجلس نهم در تهیه احکام برنامه ششم توسعه و مدیران عالی و وزرای محترم قوه مجریه برای اجرای احکام و تدوین آیین‌نامه‌های مرتبط - طی پنج سال آینده قرار می‌دهد.

تدوین اولین برنامه توسعه کشور (۱۳۶۸-۷۲) که بعد از پایان جنگ تحمیلی آغاز و با یکسال تمدید تا سال ۱۳۷۳ به طول انجامید؛ بازسازی اقتصادی کشور در اولویت برنامه‌های اقتصادی دولت قرار گرفت. تدوین این برنامه تحت شرایطی صورت پذیرفت که روند حاکم بر اقتصاد کشور، طی سال‌های جنگ، وضعیت اقتصادی نامطلوبی را به ویژه در سال‌های پایانی آن ایجاد کرده بود. کاهش درآمدهای نفتی، رشد اقتصادی منفی، رشد نقدینگی و تورم از مهمترین متغیرهای اقتصادی ابتدای تدوین اولین برنامه توسعه پس از انقلاب بود. از سوی دیگر جبران خسارت‌های جنگ تحمیلی با اتکاء به منابع محدود داخلی ممکن نبود. از این رو تدوین برنامه می‌بایست با رویکرد جذب سرمایه‌گذاری و سرمایه خارجی تدوین شود. از طرفی نظام کنترلی و تثبیتی به جا مانده از زمان جنگ و گسترش دخالت‌های دولت در اقتصاد به عنوان یک مانع بازدارنده می‌بایست محدود می‌شد. پیش‌بینی شده بود که با اتکاء به منابع ارزی خارجی برای تأمین مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز صنایع کشور - که دارای ظرفیت خالی تولید بودند - اقتصاد کشور بر روند کاهنده حاکم بر رشد فائق و با صدور بخشی از این محصولات و دسترسی به منابع ارزی مورد نیاز برای تسویه وام‌های خارجی، محقق گردد.

طی برنامه دوم (سال‌های ۷۸-۱۳۷۴)؛ میزان دسترسی به ارز خارجی به شدت کاهش یافت و لذا دولت می‌بایست بخش قابل ملاحظه‌ای از بدهی‌های استمهال شده را نیز بپردازد. وضع مالی نامناسب دولت در کنار نوسان درآمدهای نفتی نیز عاملی برای افزایش کسری بودجه دولت بود که بخش اعظم آن از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین گردید. این امر طبیعتاً به تقویت پایه پولی، رشد نقدینگی، کاهش واردات به دلیل کمبود منابع و رشد نرخ تشکیل سرمایه ثابت و به تبع آنها تقویت تورم انجامید. اگرچه در این برنامه اقداماتی در راستای بهبود عملکرد نظام مالیاتی انجام شد که به افزایش شاخص نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی و هزینه‌های جاری به‌رغم کاهش و نوسان درآمدهای عمومی، انجامید و در مجموع خط‌مشی‌های استراتژی توسعه برون‌نگر، مورد تأیید قرار گرفت. همچنین طی این برنامه به‌طور ضمنی به برخی از مباحث اشتغال و در بعد آموزش و نیازهای بازار کار، ایجاد ارتباط بین آموزش و نیازهای بازار کار و ارتقاء سطح کیفی نیروی کار و تخصیص بهینه نیروی کار بین دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی و غیردولتی پرداخته شد.

لذا در طول دو برنامه اول و دوم تلاش گسترده‌ای صورت گرفت تا ویرانی‌های جنگ بازسازی شود و مبنای تفکر ساختن ایران تبدیل به برنامه شده و بحمدالله توفیقات کم نظیری برای ایران اسلامی پدید آمد و روابط خارجی با کشورهای همسایه در بهترین شرایط خود قرار گرفت و در سطح جهانی هم با عقلانیت و بر اساس منافع، روابط دوجانبه و چندجانبه پیگیری شد که این رویکرد دارای آثار و پیامدهای بسیار مثبت اقتصادی و سیاسی و حداکثرسازی منافع ملی و بهبود سطح اشتغال و رشد

اقتصادی را در برداشت، اما این دوره ظرفیت دستاوردهای بیشتری را می توانست داشته باشد که به دلیل تفاوت نظریه دو نگاه به اجتماع و اقتصاد از یکسو و توزیع ثروت و درآمد از سوی دیگر، حوادث و صحنه هایی اجتماعی و سیاسی در جامعه بوجود آورد. برجستگی کامل و عیان این نقیصه مقابله فکری دو گروه موافق نظریه تعدیل اقتصادی و پذیرش توصیه های بانک جهانی و دولت حداقل و مکانیسم بازار کامل و قانون عرضه و تقاضا در همه سطوح، همه اقشار و همه کالاهای عمومی / خصوصی با مخالفان اندیشه تعدیل اقتصادی در جامعه بود.

طی برنامه سوم (۸۳-۱۳۷۹) که دولت موسوم به اصلاحات در آن برهه زمانی عهده دار قوه مجریه بود؛ مباحثی مثل آزادسازی بازار مالی کشور و تعمیق آن در راستای تقویت رشد و تخصیص بهتر منابع، تقویت نظام بانکی و بازار سرمایه ای کشور انجام گرفت. این امر در کنار ممنوعیت تأمین کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی و ایجاد حساب ذخیره ارزی تا حد زیادی آسیب پذیری نظام مالی کشور را نسبت به نوسان های درآمدهای نفتی، کاهش داد. در این برنامه مقررات زدایی، کاهش نرخ مؤثر مالیات برای فعالیت های اقتصادی، ایجاد زمینه های جلب مشارکت خارجی در کنار آزادسازی بخش تجارت خارجی برنامه هایی تدوین شد. مجموعه اقدامات و اصلاحات فوق و سایر اصلاحات انجام شده در عرصه اقتصاد کشور به همراه وضعیت مناسب درآمدهای نفتی سبب شد که اقتصاد کشور طی برنامه سوم توسعه از روند مطلوبی برخوردار شود. از سوی دیگر در این دوره نخبگان نیروی اصلی حاضر در صحنه اقتصاد، اجتماع، سیاست و فرهنگ شدند و خواسته های توده ها و اقشار مردم که قاعده اجتماعی هستند به حاشیه رانده شد. در این دوره تعریف دقیق و روشنی از اصلاحات به عمل نیامد که مورد وفاق همه ارکان و قوای اداره کننده جامعه باشد و این شکاف مفهومی منجر به درگیری درون نهادها و ساختارهای قدرت گردید تا جائیکه اهداف برنامه علیرغم تلاش دولت و در حالیکه امکان تحقق بیشتری داشت؛ به نتیجه مورد نظر و وفاق ملی نرسید.

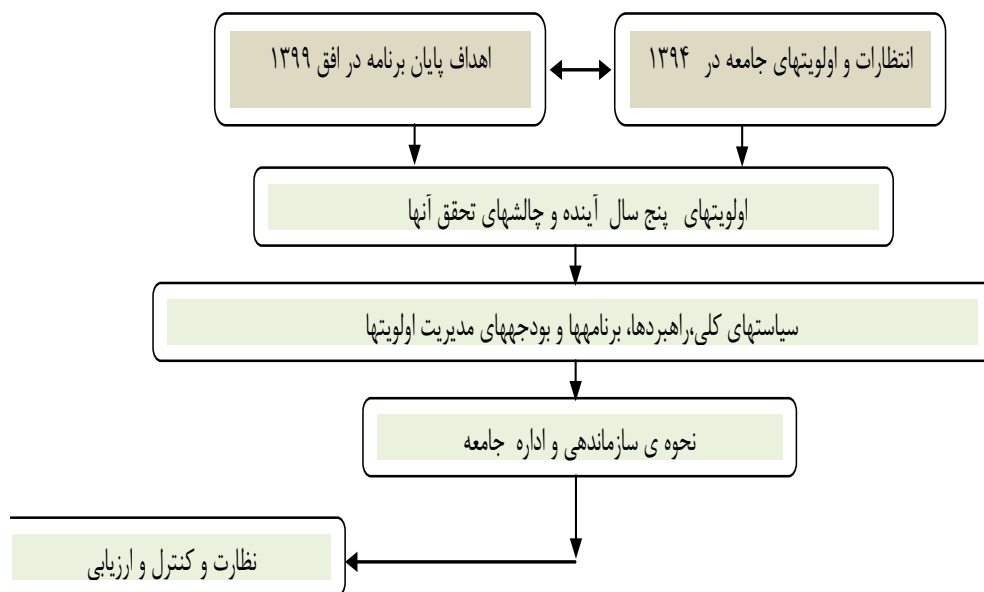
طی برنامه چهارم (۸۸-۱۳۸۴) که با یکسال تمدید تا سال ۸۹ ادامه یافت و همچنین برنامه پنجم (۹۴-۱۳۹۰) که در واقع دو برنامه اول دوره چشم انداز بیست ساله می باشند؛ توده های مردم در قالب گفتمان جدید با حضور گسترده به صحنه آمدند و رویکردی جدید در اداره دولت آغاز شد. نگاه به اداره جامعه، اقتصاد، اجتماع و سیاست دچار دگرگونی اساسی گردید و با شرایط افزایش قیمت نفت و فروش ثروت های طبیعی دیدگاه توزیع درآمد و حمایت از اقشار کم درآمد و افراط و تفریط نابهینگی تخصیص منابع ویژگی اصلی این دوران شد. شیوه مدیریت به نفی گذشته و بهم ریختن بوروکراسی دولت بر اساس سلايق فردی مبنای عمل دولت قرار گرفت و شعار عدالت اجتماعی و پیشرفت اقتصادی غالب شد. اگرچه در برنامه چهارم کلا راهبردها مشخص نشدند و می توان چنین برداشت کرد که راهبرد برنامه، استفاده از منابع نفتی برای توسعه بوده است و در این راه ایجاد نوعی ثبات در مقادیری از درآمدهای نفتی که سالیانه به درون اقتصاد ملی می ریزد؛ مد نظر بوده است. بطور خلاصه برنامه چهارم مثل برنامه سوم برنامه نامشخصی بود که چرایی تدوین آن مشخص نشد. نکته حائز اهمیت اینکه هم مجلس و هم دولت تدوین کننده برنامه چهارم، هر دو بعد از این برنامه تغییر کردند. به عبارت دیگر دولتی دیگر برنامه ای برای دولت بعد تهیه و مجلسی برای مجلس بعدی آن را تصویب کرد. در نهایت با فشارهای خارجی، تحریم ها و کاهش درآمدهای فراوان، بیکاری گسترده، رکود، تورم و بدهی گسترده دولت به شبکه بانکی در بعد اقتصادی و عقب نشستن نخبگان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در بعد

سیاسی - اجتماعی و هنرمندان و نویسندگان و صاحبان تفکر در بعد علمی و هنری شرایط ویژه‌های را برای کشور بوجود آورد و کم‌کم شکاف‌های فکری و نظری این حرکت در برابر اهداف و گفتمان اصیل انقلاب اسلامی نمایان شد و قهر نخبگان و مستأصل شدن توده‌ها را موجب گردید تا اینکه مردم مجدداً در انتخابات ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ و در میانه برنامه پنجم، رویکرد جدیدی را برای اداره کشور خواستار شدند و با درک هوشمندانه شرایط داخلی و خارجی و صبر و تحمل در مقابل بداخلاقی‌های بازیگران و احزاب و شخصیت‌های سیاسی در انتخابات، الگوی "اعتدال، تدبیر و امید" را انتخاب نمودند و در حال حاضر نیز دولت امیدوار به حل ریشه‌ای برخی معضلات سیاست خارجی و رفع تحریم‌ها با حفظ عزت ملی و دستاوردهای ملی است تا در آینده بتواند در ابتدای برنامه ششم، با تمرکز بیشتری بر روی برنامه ششم توسعه، قدم بزرگی را برای سازندگی کشور بردارد.

ج - رویکرد توأمان آرمان‌گرایی (اهداف چشم‌انداز) و واقع‌گرایی (نیازها و چالش‌های پیش‌رو)
(توجه به جایگاه ترسیم‌شده برای کشور در سند چشم‌انداز بیست‌ساله از یکسو و تحلیل وضع موجود و ارزیابی نیازها و چالش‌های پیش‌روی کشور از سوی دیگر)،

یکی دیگر از رویکردهای حاکم بر تدوین سیاست‌های کلی برنامه ششم در حوزه امور زیربنایی و تولیدی، رویکرد محوری "مهندسی توأمان واقعیت‌گرایی و آرمان‌گرایی" است که در ایده ابلاغی نیز به چشم می‌خورد و مورد تأکید مقام معظم رهبری نیز قرار دارد. برای اینکه برنامه پنج‌ساله ششم کارآمد و اثربخش تنظیم شود و راه‌گشای زندگی آحاد جامعه باشد، شروع حرکت آن یعنی تدوین سیاست‌های کلی پس از تعامل با اهداف، باید نیازها و انتظارات و وضع موجود را رصد و چشم‌انداز و اولویت‌های آینده را طراحی کند. بر این اساس با انتخاب رویکرد مهندسی واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی می‌توان مسیر آینده را تعیین نمود و لذا یک برش از چشم‌انداز طی پنج ساله آینده با همین رویکرد "واقعیت‌گرایی و آرمان‌گرایی توأمان" در چارچوب نمودار شماره ۱ مورد توجه قرار گرفت:

- از زاویه واقعیت‌گرایی؛ با توجه به اینکه واقعیت‌ها در بُعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کنونی جامعه و در روابط خارجی به دستاوردها و تحریم‌ها قابل ارزیابی هستند و با مطالعات انجام‌شده در کشور و گزارش سازمان‌های متولی به دولت، مجلس، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مراکز تحقیقاتی و سایر مراکز علمی - دانشگاهی و حوزوی در مدت کوتاهی قابل شناخت، جمع‌آوری، ارزیابی و جمع‌بندی است که نتایج آنها اولویت‌های جامعه و دولت را نشان می‌دهد. یک برنامه پنج‌ساله واقعی یعنی اینکه به خواسته‌های مردم توجه اساسی بنماید؛ نه اینکه اهداف اداره‌کنندگان دولت جایگزین خواسته‌های جامعه قرار گیرد که در این صورت شکاف دولت - ملت بوجود خواهد آمد. از این زاویه مهمترین اولویت‌ها و انتظارات جامعه به شرح موارد ذیل قابل احصا بودند:



نیازها و اولویتهای امروز جامعه ایران:

- ۱- تأمین معیشت و نیازهای اساسی جامعه
- ۲- کنترل تورم، بهبود سطح درآمد سرانه، مدیریت نقدینگی و حفظ پایه پولی
- ۳- تقویت تولید ملی و اشتغال و کاهش نرخ بیکاری
- ۴- سازماندهی شبکه توزیع
- ۵- سلامت، بهداشت و درمان و تأمین اجتماعی فراگیر
- ۶- ازدواج جوانان و تأمین مسکن
- ۷- رشد معنویت و اخلاق‌مداری در جامعه
- ۸- قانونگرایی و رعایت حقوق قانونی در تنظیم روابط دولت و جامعه
- ۹- نفی بوروکراسی ناکارآمد (مقابله با بوروکراسی ضد توسعه کنونی کشور و اصلاح آن متناسب با اقتضانات کشور)
- ۱۰- آموزش و ارتقاء سطح آگاهی اجتماعی و مهارت‌ها و توانمندی های نیروی انسانی
- ۱۱- مردمی‌سازی اقتصاد، سازماندهی مردم برای فعالیت در امور اقتصادی، اجتماعی (سیاست‌های کلی اصل ۴۴)
- ۱۲- رفع تحریم‌ها و بهبود تعامل بین‌المللی

البته در لیست نیازها سطح بالاتر رفاه و آسایش و تفریح و گردش و سیاحت و زیارت و شکوفایی بیشتر و بالاتر را می‌توان به این موارد اضافه نمود. ولی باید به واقعیت دیگری که از جمله آنها وضعیت منابع و امکانات، زمان پنج ساله بودن برنامه، فرصت‌ها و شرایط و تهدیدها هم توجه نمود و به اعتدال بین نیازها و امکانات و معضلات و توان پاسخگویی در یک دوره پنج‌ساله با توجه به شرایط موجود درآمدی کشور و تعهدات دولت در زمینه‌های مختلف و ناکارآمدی در تخصیص منابع طی هشت سال گذشته اهتمام داشت. در حقیقت در اولویت اول باید سطح انتظارات مردم مدیریت شود و با ابداع سازوکارها و توجه به عموم مردم سعی شود رضایت‌مندی آنان حاصل شود و انسجام ملی برای تعامل با سطح جهانی و رفع تحریم‌ها پشتوانه حرکت کشور گردد.

- از زوایای آرمان‌گرایی؛ نیز با توجه به اینکه آرمان‌ها، خواسته‌های یک نسل است که از نسل گذشته به آن رسیده و به نسل آینده هم منتقل خواهند شد؛ ویژگی اصلی آنها عدم زمان‌پذیر بودن آنهاست؛ اما وقتی صحبت از ساخت چشم‌انداز آینده می‌شود در واقع می‌توان آن را به زمان‌پذیر نمودن آرمان‌ها در قالب چشم‌انداز تعبیر کرد. ذکر این نکته در اینجا ضروری است که چشم‌اندازهای طراحی شده می‌توانند آرمانی و بلندمدت باشند (حداکثری) و یا می‌توانند الزامی و شرط بقا (حداقلی) باشند. حال این نکته اساسی نباید از سوی مردم و مسئولین مورد غفلت قرار گیرد که تحقق اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله، الزام بقای جمهوری اسلامی ایران و مردم فرهیخته این سرزمین است و نه آرمان بلند مردم و نظام اسلامی. درک این نکته، یک پارامتر مهم در تنظیم سیاست‌های کلی برنامه ششم در مقطع فعلی و تدوین احکام برنامه متناسب با سیاست‌ها می‌باشد.

همچنین قابل یادآوری است در قانون اساسی، مأموریت دولت و حاکمیت در سه سطح تأمین نیازهای اجتماعی تبیین شده است.

سطح اول: نیازهای معیشتی مانند امنیت غذایی، آموزشی، بهداشتی و مسکن جامعه و اشتغال کامل و کنترل تورم و کاهش بیکاری و رفع فساد و تبعیض و بی‌عدالتی.

سطح دوم: رشد و شکوفایی استعدادها و انسانی

سطح سوم: رشد معنوی و فضایل اخلاقی

در سند چشم‌انداز به سطح اول در حوزه عمومی و به سطح دوم و سوم در سطح فردی توجه شده است سطح اول از تکالیف دولت اسلامی است که تدارک و تأمین و پشتیبانی و هدایت و حمایت همه‌جانبه را بعهده دارد اگرچه باید ظرفیت‌های مردم را بکار گیرد. اما در سطوح دوم و سوم دولت وظیفه تدارک، تأمین و پشتیبانی و تصدی‌گری ندارد و تنها باید هدایت، سیاست‌گذاری، زمینه‌سازی و تسهیل‌گری را بعهده داشته باشد.

این نوشتار وظایف اصلی دولت در سطح یک را مدنظر دارد و از این منظر، می‌توان آرمان‌های زمان‌بندی شده در افق چشم‌انداز را به شرح ذیل فهرست نمود:

۱- ایجاد اشتغال کامل اقتصادی در کشور

۲- کنترل تورم و بیکاری و توسعه سرمایه‌گذاری و پس‌انداز ملی

- ۳- رشد حداقل ۸/۶ درصد سالیانه اقتصادی و ملی
- ۴- بهبود در ترکیب عوامل شکل دهنده به ثروت ملی و کارآمدی جامعه
- ۵- دستیابی به سطح قابل قبولی از خوداتکایی در مواد غذایی تحت عنوان امنیت غذایی جامعه و سلامت و تأمین مسکن
- ۶- توسعه علم و فناوری و کارآفرینی در جامعه (برخوردار از دانش پیشرفته)
- ۷- گسترش شبکه تأمین اجتماعی برای همه اقشار جامعه
- ۸- بهبود سطح شاخص عدالت اجتماعی و ضریب جینی
- ۹- دستیابی به جایگاه اول اقتصادی و علم و فناوری در منطقه
- ۱۰- الهام بخشی در جهان اسلام
- ۱۱- تعامل سازنده با جهان
- ۱۲- پیوستگی بین مردم و حکومت برای داشتن جامعه امن، مستقل و مقتدر با رضایتمندی و سازگاری اجتماعی و ..

با توجه به مطالب فوق، باید گفت هرگونه احکام برنامه‌ای جدید بر اساس سیاست‌های کلی ابلاغی باید بگونه‌ای تدوین شود که در چارچوب بین واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی قرارگیرد. اگر صرفاً به نیازهای زودگذر توجه و اهداف عالی نظام و آینده فراموش یا کم‌رنگ شود؛ نقیصه‌ای بزرگ در روند پیشرفت جامعه بوجود می‌آید و نیز اگر فقط به آینده توجه شود و تقاضاها و نیازهای جامعه منوط به تحقق آرمان‌ها گردد، موجبات نارضایتی اجتماعی بویژه توده‌های مستضعف و فقیر را در پی خواهد داشت. از این منظر است که تعامل بین تقاضاهای اجتماعی کنونی و اهداف آینده ترجمان واقع‌گرایی - آرمان‌گرایی تلقی می‌گردد.

اگر در ذیل واقعیت‌گرایی به نیازها، خواسته‌ها و اولویت‌های امروز جامعه در ابعاد داخلی و خارجی توجه شود و در ذیل آرمان‌گرایی به چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ و تحقق اهداف اساسی آن همت گمارده شود؛ در آن صورت با تعیین نیازهای ضروری مردم به تقدم و تأخر اهداف چشم‌انداز و رتبه‌بندی آنها در اجرا نایل خواهیم آمد.

البته ممکن است این سؤال نیز مطرح شود که چگونه نیازهای مردم و تقاضاها و خواسته‌ها و مطالبات آنها با اهداف چشم‌انداز متناظر شوند و اولویت‌های پنج‌ساله آینده کشور را تعیین می‌کنند؛ که باید گفت با تطبیق مطالبات و خواسته‌های مردم با آرمان‌های کشور در قالب اهداف مرحله‌ای چشم‌انداز، می‌توان چالش‌های برنامه‌ای را احصا و سیاست‌ها و احکام بر آن اساس تدوین نمود.

همچنین در پاسخ به سؤال طرح‌شده باید اذعان کرد تحلیلی بر روند اقتصادی کشور نشان‌دهنده چگونگی مدیریت آنها در راستای تحقق اهداف و نیازهای جامعه خواهد بود. اقدامات اساسی که باید حاکمیت طی پنج سال آینده به آنها توجه کند تا هم مطالبات و خواسته‌های مردم و هم اهداف مرحله‌ای چشم‌انداز محقق گردد؛ در اولویت همه مباحث و ضرورت‌ها توجه به دو محور اساسی در داخل کشور است.

۱- سازماندهی بخش خصوصی برای پذیرش مسئولیت بیشتر و کاهش اندازه و حجم دولت و نیز کنترل

هزینه های جاری و عمرانی در شرایط موجود درآمدی کشور

۲- توجه اساسی به واگذاری بخش های مشمول سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی با ارزیابی واقعی دارایی های ملی واگذار شده و قابل واگذاری که این مهم در صورتی محقق می گردد که سه رکن اساسی اداره واحدهای واگذار شده اقتصادی و صنعتی و خدماتی مورد حمایت جدی دولت قرار گیرند و مثلث هم افزایی برای رونق اشتغال و درآمد و تولید در چارچوب روش های مدیریت شده بنگاهداری اداره شوند.

موضوع بسیار مهم و قابل تفکر و اندیشه دیگری که در این شرایط حساس کنونی باید به آن اهمیت داده شود و ابعاد مختلف آن مورد بحث و بررسی خبرگان و متخصصان و مدیران باتجربه کشور قرار گیرد و از تجارب ارزنده بشر در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه جهانی استفاده گردد، نحوه سازماندهی و مدیریت و اداره کشور است. مباحث بسیاری در خصوص تمرکز و عدم تمرکز مطرح شده، که برای مثال امور اقتصادی در سرزمین به صورت غیرمتمرکز و امور سیاسی و اجتماعی و دفاعی متمرکز سازماندهی شود. و یا در اقتصاد بر اساس تجربه گذشته کشور در برنامه ریزی های قبل از انقلاب اسلامی و حتی پس از آن قطب های رشد منطقه ای به عنوان کانون های جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و مراکز رشد مورد توجه قرار گرفتند (در این زمینه الگوی رشد اقتصادی - اجتماعی ایران و کره ی جنوبی در یک بررسی تطبیقی و مقایسه ای، درس ها و تجارب ارزندهای برای شرایط کنونی جامعه اسلامی - ایرانی و مدیران با تدبیر آن دربر خواهد داشت).

د - ملحوظ داشتن اولویت «پیشرفت» نسبت به «بوروکراسی» به عنوان چالش اساسی توسعه کشور در شرایط کنونی

یکی دیگر از محورهایی که در تدوین سیاست های کلی برنامه ششم مورد توجه بوده؛ رابطه بوروکراسی و دموکراسی در روند جامعه و دستیابی به پیشرفت و عدالت است. این موضوع که سازمان اداری ایران در مرحله افول چرخه عمر سازمانی خود قرار دارد و نیازمند اصلاح اساسی می باشد بر همه افراد بصیر و آگاه و متخصصان و مشاوران عالی مقام فرض است که بوروکراسی موجود ناکارآمد است و بهره وری آن در سطح بسیار پایینی قرار دارد و شایسته سالاری و طی نمودن مراحل مختلف گردش و چرخش شغلی کارکنان بسیار کند شده و موجبات گروه گرایی، قوم گرایی و ترجیح منافع فردی و گروهی بر منافع ملی شده است، نیز برکسی پوشیده نیست. حال چه باید کرد که پیشرفت جامعه و تأمین انتظارات اجتماع اسیر بوروکراسی ناکارآمد نشود؛ شرح اقدامات بطور اختصار عبارتست از:

در کوتاه مدت: تغییر در نحوه سازماندهی اداره کشور

در بلندمدت: بازآفرینی ساختار و تشکیلات و وظائف، اختیارات، برنامه ها، مقررات، نیروی انسانی، فرهنگ، تکنولوژی سازمان ها و وزارتخانه ها به صورت بنیادی.

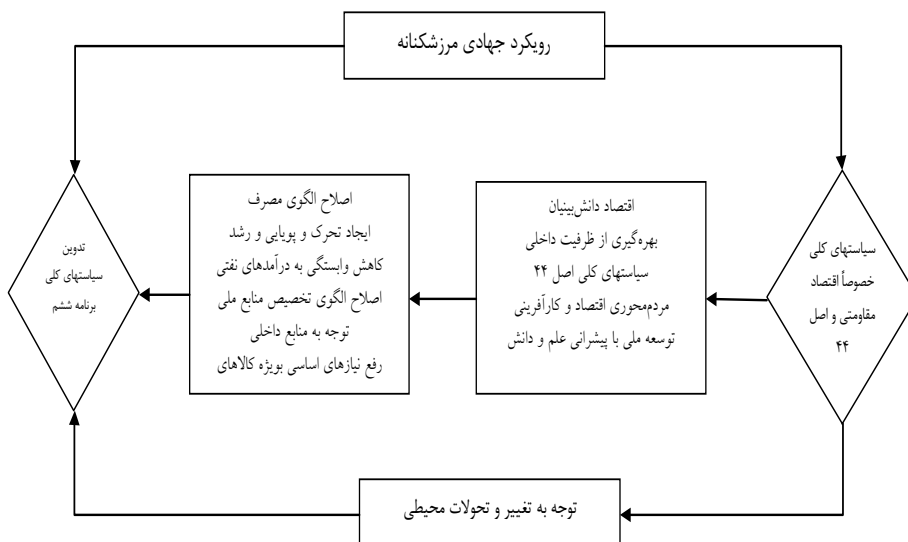
در سیاست های کلی پیشنهادی در حوزه امور زیربنایی و تولیدی؛ سعی شده است که این دو اقدام مورد توجه باشد. بطوریکه مقایسه تطبیقی سیاست ها با این دو رویکرد، کاملاً وجه تمایز سیاست های پیشنهادی را نسبت به سیاست های برنامه های پیشین نشان می دهد.

هـ - بهره‌مندی از مفاهیم و ابعاد سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و اجرای کامل

سیاست‌های کلان نظام

مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر سیاست‌های کلی متعددی را در حوزه‌های مختلف پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ نموده‌اند؛ اما تاکنون امکان و مجال و اراده جدی برای اجرای کامل این سیاست‌ها وجود نداشته است. با توجه به اینکه امکان یکپارچه‌سازی تعداد قابل توجهی از آنها در قالب برنامه ششم وجود دارد؛ لذا کمیسیون زیربنایی و تولیدی تلاش نمود در تدوین سیاست‌های کلی برنامه ششم، سیاست‌های قبلی ابلاغی را با محوریت سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴، به‌عنوان اصل و پایه مورد مطالعه قرار داده و از سایر سیاست‌های کلی خصوصاً در حوزه‌های امور زیربنایی و تولیدی که پیش از این به آنها اشاره شد؛ استفاده نماید.

با توجه به اینکه مقام معظم رهبری در سخنان خود بارها بر مسئله "اقتصاد" و "جنگ اقتصادی" که دشمنان در راستای مقابله با پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته‌اند تأکید کرده و راهکارهای مقابله با آن را نیز بارها گوشزد کرده‌اند و حتی در نامگذاری‌هایشان برای سال‌های مختلف این موضوع را مد نظر قرار داده‌اند؛ با آگاهی کامل از جنگ اقتصادی دشمن و اهداف آنها از تشدید فشارها و تحریم‌ها علیه ایران همواره تلاش کردند به ارائه برنامه و الگوهای مناسب جهت مقابله با این فشارها بپردازند. تعریفی که ایشان از اقتصاد مقاومتی مطرح می‌نمایند عبارت است از: "گفتمان و الگویی اقتصادی - مدیریتی که ضمن مقاوم‌سازی اقتصاد ملی در برابر تهدیدات و توان تحریم‌شکنی، با رویکرد عقب‌راندن نظام سلطه، پیش‌رو، فرصت‌ساز، مولد، درونزا و برون‌گرا است". در متون سخنرانی مقام رهبری تعریف زیر از اقتصاد مقاومتی نیز مشاهده شده است: "اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که به یک ملت امکان و اجازه می‌دهد که حتی در وضعیت فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند". در این تعریف دیده می‌شود که موضوع بازگشت به وضعیت رشد و شکوفایی، دغدغه اصلی اقتصاد مقاومتی است و بنابراین اگر وضعیت اقتضا کند، برون‌گرایی می‌تواند کم‌اهمیت شود. لذا از مجموع بیانات معظم‌له ساختار زیر برای بهره‌گیری از محتوای سیاست‌های کلی خصوصاً سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در تدوین برنامه ششم طراحی گشت.



سیاست‌های تدوین شده در کمیسیون از یکسو بر اساس تعریف سیاست‌های کلی مشتمل بر مجموعه جهت‌گیری‌ها، اهداف مرحله‌ای و راهبردهای کلان و از سوی دیگر با توجه به ایده ابلاغی و خصوصاً بند ۵ آن که به پیشنهاد طرح‌های ملی عظیم و تحول‌ساز اشاره دارد؛ بگونه‌ای تنظیم شده که انجام همزمان و مستمر آنها منجر به تداوم مسیر توسعه اقتصاد ملی و افزایش مصونیت در برابر تهدیدات بیرونی خواهد شد و می‌توان ادعا نمود که در صورت تدوین احکام متناسب با سیاست‌های پیشنهادی در برنامه ششم توسط دولت و تصویب آنها توسط مجلس شورای اسلامی، می‌توان به اهداف برنامه‌ای که مورد توجه کمیسیون زیربنایی و تولیدی دبیرخانه و عمده‌ترین آن موارد ذیل است دست یافت:

- استفاده از ظرفیت‌های رقابتی اقتصاد در عرصه‌های تجارت، صنعت و بازرگانی
- تکمیل زنجیره ارزش به منظور ایجاد هم‌افزایی و کاهش وابستگی به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای
- بسترسازی برای توسعه کارآفرینی و ارتقاء سطح کیفی تولیدات داخلی با تکیه بر دانش
- فعال کردن فرآیندها و زنجیره‌های تولید دانش پایه از ایده به محصول برای ارتقاء تولید صنعتی
- به حداقل رساندن خام‌فروشی در بخش نفت، کانی‌ها و مواد معدنی
- ارتقاء نظام بهره‌وری در کلیه عرصه‌های اقتصاد ملی مشتمل بر سرمایه، نیروی انسانی، منابع طبیعی و ...
- جلب مشارکت تشکلهای اقتصادی با هدف منطقی کردن اندازه دولت، رقابتی کردن اقتصاد و نظارت بر فعالیت‌های تولیدی و خدماتی جهت ارتقای سطح کیفی کالاهای ایرانی و جلب رضایت و تأمین حقوق مصرف‌کنندگان

- اصلاح و مدیریت الگوی مصرف با تأکید بر تغییر فرهنگ و رفتار مصرفی شهروندان
- تبیین شرکای تجاری و بازتعریف مکمل های تجاری و اقتصادی کشور
- تداوم و تکمیل اصلاح الگوی تجارت خارجی از کشورهای تحریم کننده به سایر کشورها
- اصلاح نظام مبادلات مالی خارجی کشور از طریق ترتیبات مالی دو یا چندجانبه
- حمایت سیاسی دولت از حضور بخش غیردولتی جهت حضور در عرصه اقتصاد بین المللی
- اصلاح ساختار مالی دولت از طریق افزایش نقش مالیات و به حداقل رساندن نقش نفت در بودجه و حفظ ثروت بین نسلی
- اجرای کامل برنامه خصوصی سازی از طریق انتقال کامل مدیریت و مالکیت
- تعمیق بازار سرمایه با تأکید بر توسعه ابزارها و نهادهای جدید
- ایجاد جذابیت برای بازار سرمایه از طریق حمایت از منافع سهامداران خرد
- اصلاح ساختار تأمین مالی بنگاه ها با تأکید بر تأمین نیازهای توسعه ای از بازار سرمایه، تأمین سرمایه در گردش از نظام بانکی و سرمایه گذاری جایگزینی از منابع داخلی بنگاه
- اجرای برنامه آمایش سرزمین از طریق ساز و کارهای توسعه منطقه ای به منظور دستیابی به رشد اقتصادی و امنیت پایدار
- کاهش شکاف درآمدی و بهبود توزیع درآمد از طریق برقراری نظام جامع تأمین اجتماعی
- تدوین برنامه امنیت غذایی کشور با تأکید بر استفاده حداکثری از ظرفیت سرزمینی و حضور تجاری در بازارهای بین المللی مواد غذایی

و- توجه به تحول مدیریت از «توسعه منابع پایه» به الگوی «توسعه دانش پایه»

در بستر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور و در شرایط گذار و تحول بین نسلی، بین الگوهای مدیریت دولتی و خصوصی، بین اقتصاد منابع پایه و اقتصاد دانش پایه، بین جامعه ملی و جامعه بین المللی و بین نیازمندی سازی جامعه و توانمندسازی جامعه، اتخاذ مدیریت تحول با خصوصیات پیش گفته شده برای طی نمودن دوران گذر ملی چرخه توسعه نیافتگی به دوران توسعه یافتگی اجتماعی از منظر قانون اساسی با توجه به الگوی مردم سالاری دینی، حفظ آزادی و کرامت انسانی، ارتقاء کیفیت زندگی، رفاه ملی، تضمین و پایداری، امنیت، گسترش عدالت اجتماعی، بهره گیری از ظرفیت ها، مزیت ها و توانایی های ملی، فرصت های محیط منطقه ای و جهانی نیازمند توجه به چارچوب مرجع تنظیم هرگونه سیاست و تدوین برنامه و اقدام ابتکاری شامل چهار بعد زیر است:

- توسعه اقتصادی دانش پایه
- توسعه فرهنگی و اجتماعی، خودباوری نوآورانه و معتدل ملی
- همبستگی همه جانبه حکومت و مردم
- توسعه مدیریت اجتماعی توانمندسازی و نفی فرهنگ نیازمندی

یکی از مواردی که طی برنامه های پیشین همواره به عنوان معضل مطرح و علیرغم تکرار در سیاست ها و احکام برنامه، نتایج در خور توجهی نداشته است؛ توجه به الگوی توسعه دانش پایه است. در احکام

اقتصادی برنامه پنج‌ساله ششم باید از الگوی فروش ثروت ملی و توزیع آن در جامعه دوری شود و به ظرفیت منابع انسانی که تسهیل‌کننده شکوفایی آن ثروت‌های طبیعی است بهره گرفت.

در حقیقت سهم منابع انسانی، فرهیخته و دانش‌آموخته در تولید ثروت باید افزایش یابد و رویکرد کارآفرینی، توانمندسازی و نوآوری اجتماعی جایگزین رویکرد توزیع ثروت طبیعی و نیازمندی و تقلید اجتماعی از کشورها و جوامع غربی شود. دولت باید جایگاه و گرانگاه کشور را با اجرای سیاست‌های کلی برنامه ششم در سطح منطقه آسیای جنوب غربی ارتقاء دهد و امور داخلی کشور را به کارآفرینان و فعالان بخش اقتصادی واقعی واگذار نماید که این مهم با ارزیابی نتایج اجرایی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ می‌تواند سرعت بیشتری پیدا کند و این الزام و رویکردی است که در سیاست‌های برنامه ششم مورد توجه قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

به نظر کمیسیون، چارچوب فکری - نظری اداره کشور در چارچوب سیاست‌های کلی برنامه ششم؛ دارای فروض مبنایی مهمی می‌باشد که عمده آنها عبارتند از:

- کوچک سازی دولت و نقش و وزن و دخالت آن در امور و افزایش سهم مردم در مناطق و از گروه‌های مختلف در بخش‌های متفاوت

- تغییر جهت دولت به سمت مأموریت‌های دولت تسهیل‌گر، کارآفرین و مدبر و کارآمد

- تمرکززدایی در امور اقتصادی با نهادسازی اجتماعی و گروه‌های مردم نهاد و حرفه‌ای و صنفی

- توجه جدی و توأمان به نخبگان و توده‌ها در مدیریت بخش‌های مختلف اجتماعی - سیاسی

- بهره‌گیری گسترده از دانش، تجربه و تدبیر صاحبان فکر و عمل توأم با بهره‌مندی از نیروی جوان، مستعد، تحصیل‌کرده و البته امتحان‌شده و موفق

- نفی نظریه‌های تعارض، افراط، قانونگریزی و بی‌اخلاقی و گسترش رقابت درون جامعه.

- توجه به نیازها و خواسته‌های جامعه به عنوان واقعیت‌های مورد مطالبه و حرکت در جهت تحقق چشم‌انداز بیست‌ساله کشور

- انسجام ملی در چارچوب نقش‌پذیری، همفکری و همراهی اقشار، شخصیت‌ها و گروه‌ها در اداره جامعه

- حرکت از مرزهای ملی و جغرافیایی به مرزهای تمدنی ایرانی - اسلامی برای افزایش نفوذ اقتدار و بازار ایران در منطقه و زمینه‌سازی برای شکل‌دهی به منطقه آسیای جنوب غربی با تعامل سازنده و مؤثر

- توجه اساسی به سیاست‌های کلی نظام و نیت راهبردی رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی

- ایجاد همگرایی فکری بین صاحبان اندیشه و تولیدمحور و مجریان مسئول و متعهد

با نگاهی به ترکیب و مجموع سیاست‌های کلی برنامه ششم نشان می‌دهد نسبت سیاست‌های کلی مرتبط با امور زیربنایی و تولیدی نسبت به دیگر بخش‌ها سهم بیشتری دارد و با عنایت به اینکه مجمع تشخیص مصلحت مشتمل بر پنج کمیسیون اصلی و یک کمیسیون نظارت می‌باشد و در دبیرخانه علاوه بر شش کمیسیون فوق، کمیسیون‌های علمی - راهبردی چشم‌انداز، کمیسیون چشم‌انداز و امور نخبگان،

مبانی فکری تدوین سیاست های کلی برنامه ششم در امور زیربنایی و تولیدی

کمیسیون مبارزه با قاچاق و مواد مخدر، کمیته خاص بانوان، کمیسیون کارآفرینی و کسب و کار، کمیسیون مطالعات اسلامی، کمیسیون مشترک، (در مجمع ۱۳ کمیسیون و کمیته خاص) فعال می باشند و علیرغم اینکه جنس مأموریت برخی از آنها ممکن است متفاوت باشد با این حال ارائه بیشترین سهم سیاست ها از مجموع سیاست های برنامه مرتبط با کمیسیون زیربنایی و تولیدی، ایجاب می کند رویکرد این کمیسیون، رویکرد غالب سیاست های کلی برنامه ششم تلقی گردد و چنانچه اجرای بهینه و نظارت دقیق بر حسن اجرای سیاست های برنامه ششم مورد انتظار به حق مجمع تشخیص مصلحت نظام برای جلوگیری از انحراف اهداف سیاست های می باشد؛ لازم است در کنار توجه به ساختار موجود دبیرخانه، به ترکیب و وظایف و مأموریت های هر کمیسیون متناسب با مأموریت های خود در طی برنامه ششم و در فرآیند نظارت بر حسن اجرای آنها نیز توجه شود.

امید است با شکر نعمت بزرگ هدایت سیاست گذاری و برنامه ریزی تحت نظارت عالی مقام معظم رهبری، با ابلاغ سیاست های کلی برنامه ششم به عنوان سومین برنامه از برنامه های چهارگانه دوره چشم انداز، نعمت های افزونتری نصیب ملت ایران شود.